

• دریافت ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

• تأیید ۱۴۰۲/۰۷/۲۶

خوانش نشانه‌شناسی رمان «أدرکها النسیان» اثر سناء الشعلان بر اساس نظریه گریماس

سمانه موسی‌پور*، یوسف هادی‌پور**

فرهاد دیوسالار***

چکیده

نشانه‌شناسی یا نشانیکی (Semiotics) مطالعه نشانه‌ها و نمادها است و تعبیر آنها از مهمترین اهداف ساختارگرایی در دوره معاصر، تفسیر محورهای بنیادین یک اثر ادبی می‌باشد. درک نشانه‌های یک متن منجر به افزایش فهم و درک آن می‌شود. گریماس با استفاده از ساختار نظریه نشانه‌شناسی پراپ، توانست الگوی کنشی را به وجود آورد تا به وسیله آن علت و معلول یک نشانه و کنش را بیان کند و به کنش‌پذیر بودن یک اثر پی ببرد. رمان «أدرکها النسیان» اثر «سناء الشعلان» یکی از رمان‌های دوره معاصر جهان عرب است که نویسنده به وسیله آن توانسته است معضلات و آسیب‌های اجتماعی مختلفی مانند فقر، فحشا، تن‌فروشی و آوارگی موجود در کشورهای عربی به ویژه فلسطین را به نمایش گذاشته و نظر خود را به واسطه امور محسوس و نامحسوس به نمایش بگذارد؛ به همین دلیل، استفاده از اشارات غیر مستقیم در این داستان از بسامد بالایی برخوردار می‌باشد. جستار حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد نشانه‌شناسی گریماس به دنبال آن است تا ضمن معرفی کنش شخصیت‌های مختلف، به تحلیل مربع نشانه‌شناسی بپردازد و به میزان تطبیق الگوی کنشی گریماس با موضوعات و مفاهیم این رمان بپردازد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد استفاده از الگوی کنشی گریماس و مربع معناشناسی می‌تواند به تحلیل نشانه‌های موجود در رمان مرکز گریز «أدرکها النسیان» که با استفاده از تکنیک‌های پست مدرنیسم و موضوع اجتماعی نگاشته شده است کمک کند. به بیانی دیگر، تحلیل الگوی ساختار گرای گریماس به تحلیلگر اجازه ورود به ژرفای معانی نهفته در متن داستانی را می‌دهد و با الگوی کنشی می‌تواند به کارکرد معکوس مفاهیم دست یابد.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی، رمان معاصر عربی، گریماس، سناء الشعلان، «أدرکها النسیان».

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

alsariyeh.moosapoor@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)

hadipour@kiauo.ac.ir

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Divsalarf@yahoo.com

مقدمه

ساختارگرایان روسی از اولین تحلیل‌گرانی بودند که یک اثر داستانی را با توجه به جنبه‌های ساختاری مورد بررسی قرار دادند. (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۰۳) گریماس شخصیتی است که با استفاده از نظریات پراپ توانست الگوی نشانه‌شناسی جدیدی را به وجود بیاورد که تا امروز یکی از دقیق‌ترین نظریه‌های نشانه‌شناسی می‌باشد. وی مانند ساختارگرایان دیگر بنای کار خود را بر اساس تقابل‌های دوگانه قرار می‌دهد و با استفاده از ابزاری که در نظریه خود معرفی می‌کند به تحلیل نشانه‌ها پرداخته و پس از آن معانی عمیق را آشکار می‌سازد. گریماس با نگارش کتاب «ساختارمعنایی»، نشانه‌شناسی گفتمان مدرن را به وجود آورد و راه‌های تجزیه و تحلیل متون داستانی در راستای آشکارسازی معنای عمقی را هموار ساخت (احمدی، ۱۳۹۱ ش: ۲۱). با توجه به نمادین شدن رمان‌های دوره معاصر و تمایل نویسندگان برای به چالش کشیدن ذهن مخاطب و هم مسیر شدن با نویسنده در تکامل داستان، شاهد استفاده نویسندگان از سطوح عمیق معنایی هستیم.

سواء کامل احمدشعلان نویسنده اردنی در سال ۱۹۷۷ م در منطقه‌ای قدیمی در شهر «صویلح» که اغلب ساکنانش از مهاجران این شهر بودند دیده به جهان گشود. اولین کتاب قصه‌ای که در سه‌سالگی خواند «دراجه عماد» بود. وی پس از آن به نویسنده‌ی کوچک لقب داده شد؛ زیرا با نویسندگی الفت خاصی داشت و از همان کودکی داستان‌هایش را به مجله اردنی «وسام» می‌فرستاد (عموری و مجدم، ۱۳۹۹ ش: ۱۵). پس از آن تحت تأثیر رمان قرار گرفت و کتاب رادرزمینه‌ی نمایشنامه و رمان و کتاب‌های نقد آغاز کرد. همچنین دارای دکترای ادبیات مدرن است و اکنون استاد دانشگاه و عضو انجمن نویسندگان اردن و انجمن ادبیات عرب نیز است. از مجموعه آثار او می‌توان به کتاب «تعلیم اللغة العربیة الناطقین بغیرها» مجموعه قصه‌های «قافله العطش»، «ناسک الصومعه»، «أرض الحکایه»، «السقوط فی الشمس» و... را نام برد (همان: ۱۵).

نخستین چاپ رمان «أدرکها النسیان»: حکایة امرأة انذقها النسیان من التذکر» اثر سناء الشعلان، در سال ۲۰۱۸م در عمان پایتخت اردن در انتشارات امواج می‌باشد. پس از اینکه رمان «السقوط فی الشمس»، به جایزه صلاح الدین ایوبی دست یافت؛ سناء الشعلان به نگارش رمان جدیدی پرداخت که این رمان با سبک جدید به دنیای خاصی تعلق داشته و به دور از تجربیات روایت‌ها، حکایت‌های منطبق، تعهد و التزام به الگوها، استانداردهای محدود و دست و پاگیر، یا اسلوب‌ها و قالب‌های کلیشه‌ای بود. با مطالعه این رمان به آوارگی، فقر، تن فروشی و فحشای موجود در سرزمین‌های عربی اشاره کرده است. در این داستان علاوه بر حوادثی که برای شخصیت‌ها رخ می‌دهد همانند؛ ساختار، نشانه، ارجاعات، چندروایی بودن، بینامتنیت، پرداختن به معضلات اجتماعی مانند جدایی، تجاوز، بحران امنیت و تبعیض طبقاتی مورد توجه می‌باشد. در این جستار تلاش بر آن است با استفاده از نظریات نشانه‌شناسانه گریماس به بررسی دو جنبه شناخت کنش‌های داستان بر اساس الگوی کنشگر گریماس و شناخت دال و مدلول‌های این رمان بر اساس مربع معناشناسی گریماس پرداخته شود.

در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر نظریه نشانه‌شناسی گریماس و بکارگیری منابع موجود در کتابخانه ضمن ارائه تعریف کوتاه از رمان «أدرکها النسیان» و نظریات نشانه‌شناسی گریماس به تحلیل نشانه‌ای این اثر می‌پردازیم. رمان «أدرکها النسیان» بر پایه شخصیت‌های متعدد نگاشته شده است و این شخصیت‌ها هستند که وظیفه جلوراندن روایت را به عهده دارند؛ بنابراین می‌توان از نظر کنشگرها مورد بررسی قرار گیرد و به دو سوال زیر پاسخ دهد:

- ۱- نویسنده با استفاده از الگوی کنشی، چگونه توانسته است مفاهیم اجتماعی نهفته در رمان را بیان کند؟
- ۲- الگوی ساختارگرای گریماس تا چه اندازه قابل تطبیق با عناصر ساختاری رمان ساختارگرایز «أدرکها النسیان» می‌باشد؟

فرضیات تحقیق

- ۱- استفاده از معانی نقیض و معکوس در راستای بیان ارزش‌های یک جامعه و پرداختن به مشکلات موجود در جامعه اما مغفول، از طریق نشانه باعث بیان مفاهیم گوناگون از طریق الگوی کنشی گریماس در رمان «أدرکها النسیان» شده است.
- ۲- باتوجه به اینکه رمان «أدرکها النسیان» یک رمان مرکز گریز بوده و مفاهیم اصلی آن در مرکز داستان قرار نگرفته است، الگوی ساختارگرای گریماس به تحلیل‌گر این امکان را می‌دهد تا با استفاده از روابط علی و معلولی به عمق معانی موجود در این رمان دست‌یابد.

پیشینه تحقیق

با مراجعه به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، پژوهشی یافت نشد که به صورت مستقیم با «نشانه‌شناسی رمان «أدرکها النسیان» اثر سناء الشعلان بر اساس نظریه نشانه‌شناسی گریماس» ارتباط داشته باشد، اما پژوهش‌هایی یافت شده است که با این پژوهش ارتباط غیرمستقیم دارد:

- ۱- مقاله «نشانه‌شناسی گفتمان «ثروت و فقر» در روایات علوی با تکیه بر مربع نشانه‌شناسی گریماس» گردآوری شده توسط آزاد عباسی و چاپ شده در فصلنامه علمی پژوهش‌های نهج البلاغه، دوره نوزدهم، شماره ۶۴، بهار ۱۳۹۹، ص ۱۴۵-۱۷۲. پژوهشگر در این پژوهش با در نظر گرفتن «ما» واژگان جانشین فقر و ثروت را مورد بررسی قرار دهد و سعی بر آن بوده است که گفتمان موجود پیرامون دو واژه گذشته را مورد پژوهش قرار دهد.
- ۲- مقاله «تحلیل نشانه-معناشناسی گفتمان "بازگشت به حیفا" اثر غسان کنفانی» نوشته شده توسط امیرحسین رسول‌نیا، علی نجفی ایوکی و سمانه نقوی که چاپ شده در دوفصلنامه علمی زبان و ادبیات عربی و دوره دوازدهم، شماره دوم، پاییز و

زمستان ۱۳۹۹. ص ۲۱-۳۵ است. پژوهشگران در این مقاله، به واکاوی و تحلیل عوامل کنشی و شوشی انواع نظام معناشناسی گفتمانی در رمان بازگشت به حیفا پرداخته و نتیجه حاصله نشان می‌دهد گفتمان موجود در رمان از نوع پویا می‌باشد.

۳- مقاله «نشانه‌شناسی سروده «قصیده الأرض» محمود درویش با تکیه بر نظریه نشانه‌شناسی گریماس» نوشته شده توسط امیرحسین رسول‌نیا، علی نجفی ایوکی، چاپ شده در پژوهش‌های ادبی و بلاغی سال هفتم بهار ۱۳۹۸ ش شماره ۲ (پیاپی ۲۶)، صص ۷۷-۹۸ است. نویسندگان در این مقاله ضمن ارائه توضیحاتی در مورد نشانه‌شناسی گریماس به بررسی نشانه در بخش‌های روایت و ژرف ساخت شعر «قصیده الأرض» پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند، که تلاش برای آزادی وطن بزرگترین هدف محمود درویش از سرودن این شعر بوده است.

۴- مقاله «أسلوب السرد «الأقوال الروائية» فی رواية «أدرکها النسیان» لسناء الشعلان» نوشته شده توسط سمانه موسی‌پور و یوسف‌هادی‌پور، چاپ شده در مجله «دراسات فی السردانية العربية»، بهار و تابستان (۲۰۲۱ م) سال ۲، عدد ۴، صص ۱۶۸-۱۸۵ است و نویسندگان در این مقاله ضمن ارائه توضیحاتی در خصوص رمان «أدرکها النسیان» و خلاصه آن، به بررسی گفته‌های شخصیت‌های این رمان پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که داستان با شیوه تسلط روایتگر در ابتدای رمان آغاز شده و با روش مستقیم آزاد به پایان می‌رسد. همچنین این رمان به بررسی تکنیک‌های روایت‌گری پرداخته است.

نشانه‌شناسی از دیدگاه گریماس

آلن ژیرداس گریماس به عنوان یک نشانه‌شناس، کتاب «معنی‌شناسی ساختاری» را به چاپ رساند. او در این کتاب به تحلیل جنبه‌های گوناگون گفتمان پرداخت. از سوی دیگر او ساختار زبان را نیز از نظر دور نداشته و سعی کرده است تا راهبردهای اصلی

زبان را کشف کرده و آنها را تبیین کند. به همین دلیل وی انگاره کنشی را مطرح کرد. از دیدگاه گریماس برای شناخت انگاره کنشی باید آن را در حوزه گفتمان مورد توجه قرار داد، از این رو او از واژه «جهت»، برای بیان سخنانش بهره می‌گیرد. منظور وی از «جهت» چیزی است که محصول یا خبر را در یک قضیه توصیف می‌کند. می‌توان چنین بیان داشت که گریماس در بیان واژه و جهت بیش از آنکه به معنای زبان شناختی آن اهمیت بدهد، معنای منطقی آن را مد نظر داشته است. بنابراین در دیدگاه وی جهت‌مندی به معنای تعیین بخشیدن به وضعیت خاصی است. به بیانی دیگر جهت‌ها کنش را تعیین می‌بخشند. (محسنیان راد، ۱۳۸۵: ش: ۱۹۶) آلن گریماس یکی از نشانه‌شناسان پاساوری است که با تکیه بر تقابل‌های دوگانه پروپ الگویی جهت روایت‌شناسی ارائه کرده است. گریماس با استفاده از درک تقابل‌ها، به ایجاد دستگاهی پرداخته است. وی معتقد است که هر روایت دارای دو لایه است که یکی لایه اصلی بوده و در برگیرنده مولفه‌های معنایی و ساختاری است و دیگری لایه ظاهری روایت است (Griemas, 1977: 25). نظریه گریماس در زمینه پی‌بردن به لایه‌های معنی در روایت با سایر نظریات متفاوت است و همین امر باعث تفاوت این نظریه با سایر نظریات شده است. گریماس در نظریه خود تنها متون قومی و ملی را بیان کرده است، اما به سادگی می‌توان این نظریه را در سایر متون مورد بررسی قرار داد (همان: ۲۷). از نظر گریماس، رسیدن به حقیقت یک امر از سه ایستگاه می‌گذرد:

- ۱- شناسایی ساختارهای عمیق متنی که حضور اجتماعی و فردی انسان را به نمایش می‌گذارد.

- ۲- وجود ساختارهایی که در نشانه‌شناسی به آن مجموعه گفته می‌شود که وظیفه تنظیم مضمون‌های گفتمان را به عهده دارد.

- ۳- ساختارهای برون‌سازی متن که وظیفه ایجاد علت و معلول‌ها را به عهده دارند و به ارزش‌های یک جامعه وابسته اند (بنگراد، ۲۰۱۱: م: ۲۶).

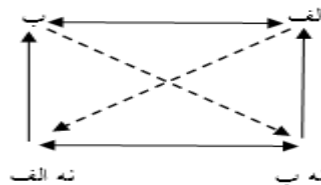
الگوی کنشگر گریماس

گریماس در الگوی کنشگر به ساختار زبان توجه ویژه‌ای دارد و کنشگر را همانند مجری یک عمل و دستور می‌داند. او معتقد است همانطور که در ساختار اصلی زبان فعل باعث ایجاد کنش و واکنش می‌شود، پیشرفت پیرنگ و تغییر آن باعث تغییر کنشگرها می‌شود. باتوجه به این توضیحات، بنیان روایت با ساختار اساسی زبان در نزد گریماس یکسان است. همچنین گریماس برای پیشبرد حرکت داستان سه عامل فاعل، مفعول و فعل را معرفی می‌کند (تایسن، ۱۳۸۷: ش: ۳۶۵). بر اساس نظریه گریماس، شش کنشگر در سطح داستان وجود دارد که عبارتند از: ۱- فرستنده-گیرنده ۳- فاعل ۴- شیء ارزشی ۵- بازدارنده ۶- یاری‌گر (عباسی، ۱۳۹۳: ش: ۶۹-۶۸). این کنشگرها وظایف تمامی شخصیت‌های داستان را در بر می‌گیرند و کنشگرهایی مانند فاعل و هدف نقش اساسی‌تری در پیش بردن داستان به عهده دارند (شعیری، ۱۳۹۱: ش: ۱۲۸). گریماس معتقد است به وسیله این کنشگرها می‌توان حوزه کنشی مربوط به نظریه پراپ را بدون اینکه لطمه‌ای به داستان وارد شود به دست آورد. تعیین کنشگر فاعل زمانی است که این کنشگر با موضوع ارتباط داشته باشد. (هرزمان که شاهد وجود یک هدف بودیم، در آن‌جا کنشگر فاعل وجود دارد و میان کنشگر فرستنده و کنشگر پذیرنده باید یک ارتباط علت و معلولی واقع باشد. (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ش: ۵۰).

مربع نشانه‌شناسی گریماس

گریماس برای بیان تفاوت‌های یک متن از عناصری استفاده می‌کند که به آن (کنش) می‌گویند. (اسکولز، ۱۳۷۹: ۹۴) گریماس در نظریه خود از این کنش‌ها به عنوان مربع نشانه‌شناسی یا معناشناسی یاد می‌کند. مربع نشانه‌شناسی از مضمون‌هایی بوجود آمده است که با یکدیگر ارتباط دارند و ذهن مخاطب به دنبال آن

بوده و غیر قابل جستجو در بافت‌های روشی می‌باشد. این مربع دارای سه رابطه می‌باشد: ۱- تضاد ۲- تناقض ۳- تضمین (یوسف، ۲۰۰۵م: ۲۳). گریماس از ساختار گرایانی است که کوشیده است با عبور از لایه‌های بیرونی متن به معانی درونی آن راه پیدا کند. مربع نشانه‌شناسی ساختاری منطقی است که بر عمق متن دلالت دارد و برای پی بردن به معنای متن مورد استفاده قرار می‌گیرد و در سه مقوله تضاد، تناقض و تضمین خلاصه می‌گردد. در زیر نمونه‌ای از مربع معناشناسی گریماس را شاهد هستیم:



خلاصه رمان آدرکها النسیان

رمان «آدرکها النسیان» اثر سناء الشعلان در عمان پایتخت اردن از سوی انتشارات امواج منتشر شده است. رمان «آدرکها النسیان» رمانی با سبک جدید است که به دنیای خاص و ویژه‌ای تعلق دارد. این رمان از تجربیات روایت‌ها و حکایت‌های منطبق و از تعهد و التزام به الگوها و استانداردهای محدود و دست و پاگیر و یا اسلوب‌ها و قالب‌های کلیشه‌ای که اغلب برای داستان‌ها به کار برده می‌شود به دور است. حکایت داستان همزمان با آینده‌نگری و گذشته‌نگری درهم تنیده شده است که برای ما بافت و ساختار داستانی از سرگذشت و تجربیات دو قهرمان داستان را به تصویر می‌کشد و تجربه جمعی بشری دو قطب دنیای عربی و اروپایی را معرفی می‌کند.

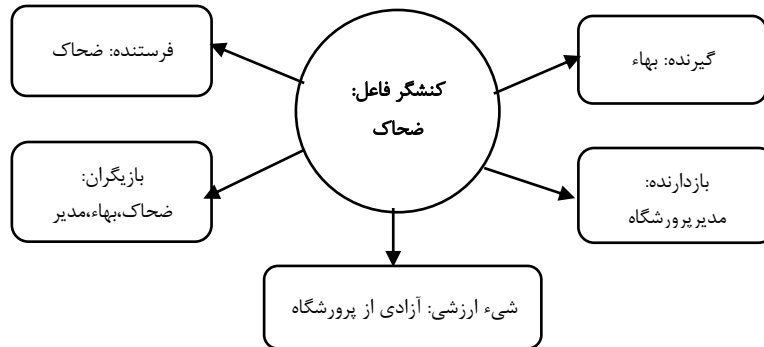
این رمان به نوعی مسئولیت‌جانب‌داری از فراموشی و مروری بر گذشته و مواردی از رنج و درد را بر عهده دارد. این رمان شام سی فصل است که نویسنده هر کدام از آنها را «نسیان» نامیده است. این رمان داستان شخصیت شصت ساله‌ای به نام «بهاء»

می‌باشد که از سرطان رنج می‌برد و اکنون تمام گذشته خویش را از یاد برده است. او و معشوقه دیرینه‌اش یعنی «ضحاک» پس از حدود نیم قرن در کهنسالی باهم ملاقات می‌کنند و ناباورانه او را به یاد می‌آورد. در این داستان علاوه بر حوادثی که برای شخصیت‌ها رخ می‌دهد، می‌توان شخصیت‌ها را در دسته‌های کنشگر و کنش‌پذیر مشاهده کرد که هرکدام بنابر نقشی که توسط نویسنده به خود گرفته‌اند، در حال پیش راندن پیرنگ داستان هستند و با این کار می‌توان شاهد الگوهای کنشی گریماس بود. رمان «أدرکها النسیان» دارای شخصیت‌های فراوانی می‌باشد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم کرد. شخصیت‌های اصلی این رمان بهاء و ضحاک هستند که از ابتدای داستان در متن داستان حضور دارند و همواره در معرض حوادث داستانی گوناگون قرار می‌گیرند. دسته دوم شخصیت‌های فرعی هستند که تعداد آنان در این رمان بسیار زیاد است و این شخصیت‌ها باعث ایجاد کنش در راستای فعالیت‌های دو شخصیت اصلی می‌شوند. از این نوع شخصیت‌ها در این داستان می‌توان به باربارا، افراح الرملی، وفاء الذیب، عیسی اقبالی، هدی، تیم الله الجزیری، ابوالهیبات و ثابت السردی اشاره کرد که هر کدام از این شخصیت‌ها کنش‌هایی را به همراه دارند.

در اولین قسمت از داستان شاهد حضور شخصیت ضحاک در پرورشگاه هستیم؛ ضحاک بارها تلاش می‌کند تا بهاء را از پرورشگاه نجات دهد اما مدیر پرورشگاه مانع می‌شود و او را به زندان (انباری) می‌اندازد.

«لقد حاول كثيراً أن يهرّبها من الميتم، لكنه فشل في ذلك مرة بعد الأخرى بعد أن علمت مديرة العانس بخطته تلك، فسجنتها لشهور طويلة في قبو صغير»^۱ (شعلان، ۲۰۱۸: ۱۵).

در اینجا می‌توان شاهد الگوی کنشی به شکل زیر بود:

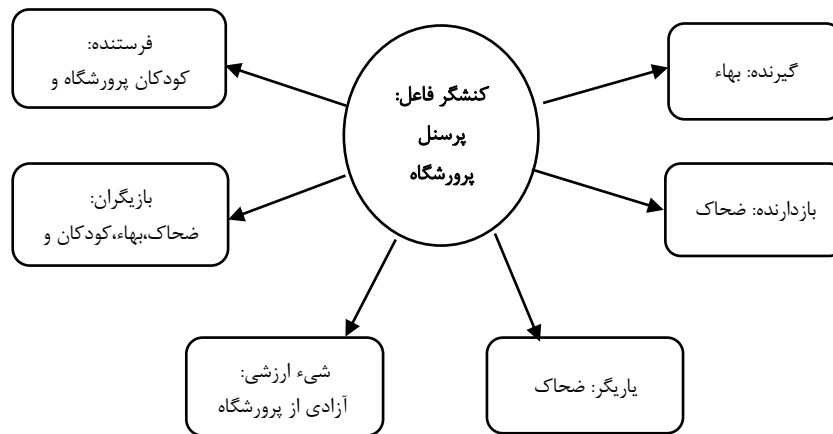


همانطور که در الگوی فوق مشخص می‌شود، فرستند و کنشگر فاعل این قسمت «ضحاک» است. همچنین گیرنده، «بهاء» بوده و شخصیت بازدارنده «مدیر پرورشگاه» می‌باشد. با توجه به این الگو، می‌توان به وجود مسائل اجتماعی در زمان نگارش این رمان اشاره کرد که وجود آن‌ها باعث شده است نویسنده مدیر پرورشگاه را که نشانه بدبختی، محدودیت و اهانت می‌باشد را به صورت بازدارنده و مانع در راستای آزادی از قید و بندهای موجود در جامعه بیان کند. همچنین، وجود رژیم اشغالگر قدس در دوره معاصر و با توجه به اصلیت فلسطینی نویسنده، آزادی از پرورشگاه که در این قسمت به عنوان شیء ارزشی شناخته شده است، نشانه ای برای رهایی از چنگال استعمارگران دانست.

در ادامه داستان، کودکان موجود در پرورشگاه، به دلیل محبوبیت بهاء با او دشمن می‌شوند و او را با لقب «سرخ روی نفرین شده» صدا می‌زنند، اما ضحاک از او به دفاع می‌خیزد و کودکان را مجبور می‌کند تا بهاء را به اسم خودش صدا بزنند.

«لقد كان من في الميتم من مشرفات و موظفات و أيتام و يتيمات يناصرون بهاء العدا المروع، فأطلقت عليها مشرفات الميتم لقب الحمراء الملعونة. لقد استطاع أن يجبر أطفال الميتم على أن ينادوها باسمها الجديد بعد أن فرض عليهم بقوة عضلاته المتحفزة»^۲ (همان: ۱۹).

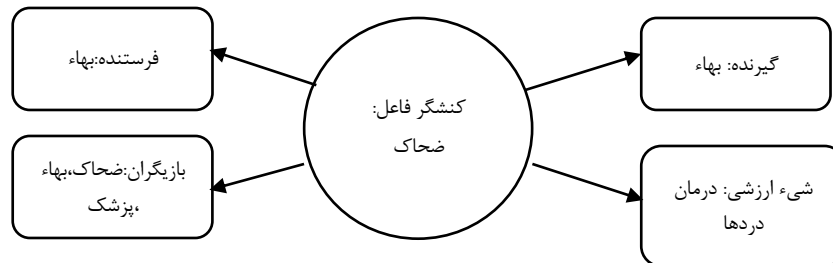
الگوی کنشی این قسمت را می‌توان به این شکل ترسیم کرد:



در الگوی فوق، شاهد الگوی بازدارندگی شخصیت «ضحاک» می‌باشیم. در حالیکه همه افراد موجود در پرورشگاه (کودکان و کارمندان) برخلاف بهاء هستند، ضحاک از او دفاع می‌کند و وجود او را ارج می‌نهد. با توجه به این توضیحات، و با توجه به اینکه یکی از وظایف الگوی کنشی گریماس، مشخص کردن مفاهیم خرد و کلان اجتماعی در سطح تألیفی داستان می‌باشد، (سلدن، ۱۳۸۴: ۴۸) شخصیت ضحاک در اینجا نشانه مبارز و اصلاح‌گر را به خود گرفته است.

در نسیان هفتم، ضحاک متوجه دردهای بهاء می‌شود ولی چون خودش نمی‌تواند آن دردها را التیام ببخشد از پزشک دعوت می‌کند تا درد او را التیام ببخشد. «یدرک الضحاک أنَّ بهاء تکتُم الکثیر من الألم فی أعماقها، و هو یسمع تأوهاتِها الخفیضة الصوتِ الکسيرة. لم یستطع أن یخفّف من ألمها المعتاد إلا بإستدعاء طبیب خاص»^۳ (همان: ۷۵).

با مراجعه به الگوی کنشگر این قسمت می‌توان چنین الگویی ترسیم کرد:

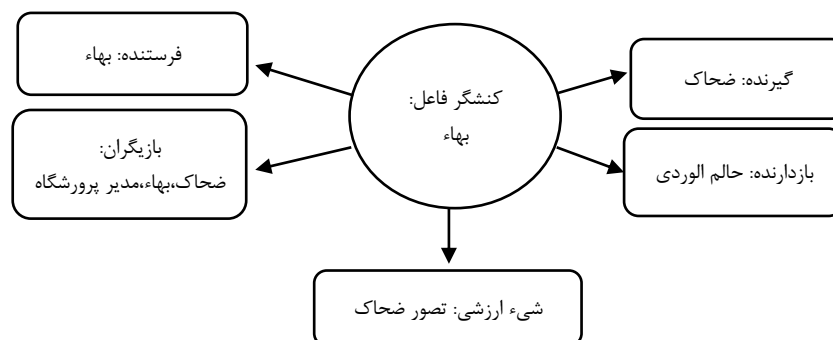


همانطور که در الگوی بالا مشاهده می‌شود، فرستند «بهاء» است و کنشگر فعال ضحاک می‌باشد. گیرنده در این قسمت مفعول و بهاء می‌باشد و شیء ارزشی در این قسمت «درمان بهاء» می‌باشد. حضور الگوی یاریگر در این قسمت، باعث شده است رسیدن به مفهوم آزادی که یکی از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی این رمان می‌باشد تسریع شود.

طبق الگوی کنشی گریماس، هر شخصیت می‌تواند در نقش‌های متفاوتی حضور پیدا کند. مثلاً در جایی ممکن است فرستنده باشد و در جای دیگر نقش گیرنده را داشته باشد. در رمان «آدرکها النسیان» شاهد این امر هستیم، مثلاً در صفحه ۱۷۰ این رمان، ضحاک در نقش گیرنده ظاهر می‌شود و بهاء در نقش کنشگر فاعلی قرار دارد.

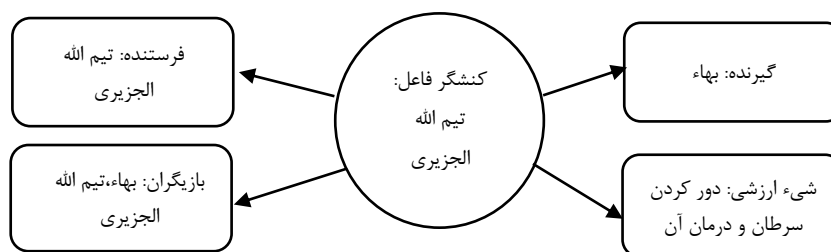
«و کنت أتمادی فی التخیل، فأتصوّر أن حالم الوردی لیس إلا الضحاک المتخیل الذی رسمته فی خیالی ثم وهبته الحیاة»^۴ (همان: ۱۷۰).

الگوی این کنش به صورت زیر می‌باشد:



همانطور که الگوی بالا مشاهده شد، در این قسمت ضحاک در الگوی کنش‌پذیر ظاهر شده است و الگوی فاعلی بهاء می‌باشد که تصمیم دارد او را تصور کند. همچنین شخصیت حالم‌الوردی به عنوان نقش بازدارنده عمل کرده است. شخصیت دیگری که کنش‌های او باعث پیشبرد داستان و صعود پیرنگ آن می‌شود، تیم‌الله‌الجزیری می‌باشد. با مراجعه به الگوهای کنشی او می‌توان مشاهده کرد که او در این رمان همواره دارای الگوی فاعلی می‌باشد. «لقد أنقذتیم الله حیاتی ولكنہ ذبح إنوثتی، هو دون الرجال الذین مَرّوا فی التاریخ...»^۵ (همان: ۲۷۲).

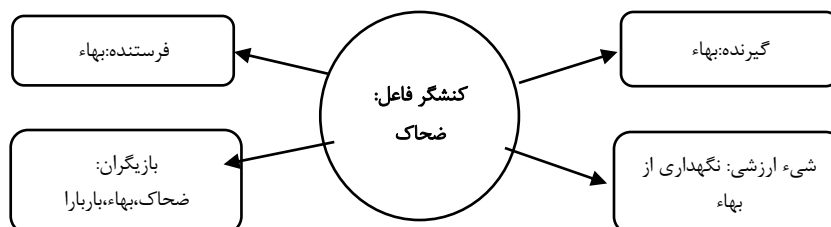
الگوی کنشی فوق به صورت زیر می‌باشد:



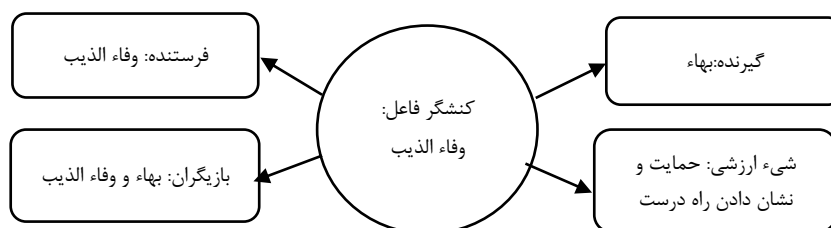
شخصیت دیگری که در این رمان حضور فعال دارد و گاهی داستان از زاویه دید او پیش می‌رود، باربارا می‌باشد. این شخصیت بنابر موقعیتی که دارد و از ابتدای حضورش در داستان به عنوان یک شخصیت ثانویه مساعد بوده است و دارای نقش کنش‌پذیر می‌باشد.

یکی از الگوهای کنشی او را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

«و عاد»ضحاک«» الی حبیبته بهاء الی ترکها فی رعاية سکر تیره الخاصة باربارا»^۶ (همان: ۴۵).



یکی از شخصیت‌های داستان که با حضور اندک خود در داستان باعث ایجاد یک رخداد پیرامون شخصیت اصلی و قهرمان رمان «بهاء» شده است، شخصیت وفاء ذیب می‌باشد. او هنگامی که عاشق بهاء می‌شود و به او می‌رسد به عنوان یک پشتیبان برای بهاء ظاهر شده و او را از مسیر گمراهی نجات داده و به مسیر انسانیت هدایت می‌کند. «فأصبح لی فجأة عزابا حارساً یحمی روحی من القبح و یكون بوصلتی نحو نفسی و نحو البشر أجمعین»^۷ (همان: ۱۲۴).



با توجه به الگوهای کنشگر موجود در رمان «أدرکها النسیان» به این نتیجه می‌رسیم که نویسنده با استفاده از الگوهای کنشی متفاوت مانند الگوی فاعلی، مفعولی، بازدارند و کنشگر، به دنبال فرار از محدودیت‌های داستان‌های سنتی می‌باشد و با این کار، به داستان خود رنگ و بوی پست مدرنیسم بخشیده است. همچنین با ادبی خود را از تمرکز معنی در ابتدا یا انتهای داستان رها نموده است. همچنین با استفاده از الگوهای کنشی مختلف در قسمت‌های مختلف داستان به پویایی داستان

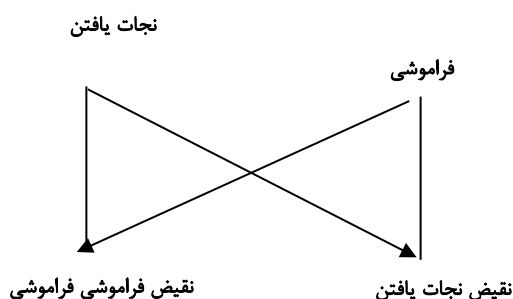
کمک کرده است. «الشعلان»، با استفاده از شخصیت‌های مختلف و قراردادن آنها در موقعیت‌های چالش‌انگیز داستانی به دنبال ایجاد الگوهای کنشی به منظور پرداختن به موضوعات اجتماعی حائز اهمیت در جهان عرب بوده است؛ در این مسیر، وی توانسته است یکی از موضوعات مهم در جهان معاصر عرب یعنی آزادی و مبارزه با استعمار را در قالب یک داستان عاشقانه و اجتماعی بیان کند.

مربع نشانه‌شناسی (معنا شناسی) گریماس در رمان «أدرکها النسیان»

در نشانه‌شناسی با امور پس‌اساختاری مواجه هستیم که می‌توان آن را در سوژه‌های روزمره شاهد هستیم. اما این امور به گونه‌ای بیان می‌شوند که از حالت یکنواختی خارج شده و به سمت غیرمنتظره می‌رود (وفایی، ۱۳۸۸ ش: ۱۱۵). ساختارگرایی از جمله گریماس اعتقاد دارند که معنا در نشانه زمانی حضور پیدا می‌کند که شاهد تقابل باشیم (همان: ۳۹). با توجه به مربع نشانه‌شناسی گریماس در می‌یابیم که عبارات همچون تضاد و نقیض در آن بکار رفته است و برای درک هر کدام از این مقوله‌ها می‌بایست به نوع واکنش و شوش و عامل‌های معنایی توجه داشت. (معین، ۱۳۸۳ ش: ۱۷۴).

در رمان «أدرکها النسیان» شاهد حضور معانی نقض و متضاد هستیم که این معانی قابلیت بیان در مربع معنایی گریماس را دارند.

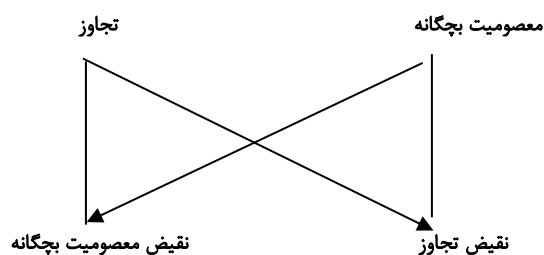
۱- اولین نمونه مربع نشانه‌ای یا معنایی گریماس را می‌توان در عنوان این رمان مشاهده کرد. عنوان کامل این رمان «أدرکها النسیان، حکایة امرأة أتقدها النسیان من التذکر» می‌باشد. در این جمله شاهد حضور چند کلمه متضاد و نقیض هستیم که می‌توانیم آن را در مربع معناشناسی گریماس به تصویر بکشیم:



همانطور که در مربع فوق مشاهده می‌شود، فراموشی راهی برای نجات یافتن است و نقیض فراموشی، متضاد با نجات یافتن است، همانگونه که نقیض نجات یافتن متضاد با فراموشی است. با مراجعه به این نشانه می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که فراموشی نشانه ادامه زندگی و شروع یک مسیر جدید و جدایی از گذشته می‌باشد.

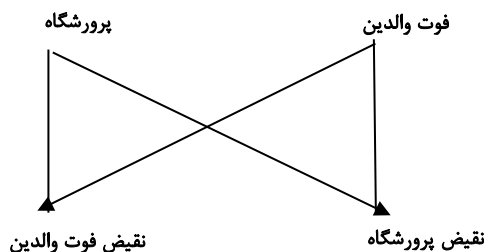
۲- نمونه دوم مربع نشانه‌شناسی را می‌توان در مقطعی از داستان مشاهده کرد که شخصیت ضحاک در حالیکه پدر مادر خودش را از دست داده است و هیچ یک از اعضای فامیل و همسایه‌ها و را به فرزند خواندگی قبول نمی‌کنند، به پرورشگاه می‌رود.

«بعدها عاش فی المیتیم الذی تلقفه علی کره عندما زهد الأعمام و العمات به، و وضعوا إیادیه‌م العادیة علی میراثه الهزلی، و رفض الجیران أن یتخذوه إیانا لأحدهم»^۸ (شعلان، ۲۰۱۸: ۱۱).



همانطور که در مربع فوق مشاهده می‌شود، شاهد دو تضاد و دو نقیض هستیم، رابطه‌های افقی از نوع تضاد هستند و رابط‌های عمودی از نوع متناقض.

۳- سومین نمونه از مربع نشانه‌شناسی گریماس را در قسمتی مشاهده می‌کنیم که بهاء از بیماری خود مطلع شده است و می‌داند که این بیماری تمام وجود او را فراگرفته است و این بیماری می‌تواند او را به پاکی زمان که با ضحاک بوده است برگرداند. «لأخشی من مرض السرطان، أو من الموت، و لكنی أخشی تماما من أن یلتهم المرض ذاكرتی فلا أعود أتذكر كائنتی الأسطوری الذی أسمىته الضحاک ...»^۹ (همان: ۵۴).

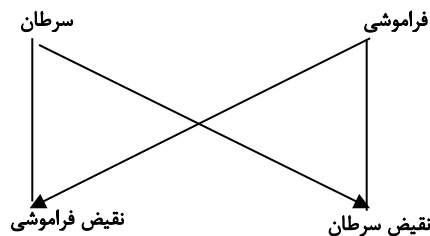


با مشاهده مربع بالا، می‌توان به دال و مدلول‌هایی پی برد که از عناصر اصلی و مهم این رمان است. هدف نویسنده را می‌توان از طریق این دال و مدلول‌ها مشاهده کرد. سرطان به عنوان یک دال است، که مدلول آن فراموشی است. همچنین معصومیت بچگانه دال می‌باشد و مدلول آن زندگی بهتر است.

۴- مربع معناشناسی دیگری که در این رمان وجود دارد، در قسمتی است که شخصیت افراح الرملی به دنبال لذت بردن از دختران موجود در پرورشگاه است و در جهتی دیگر، به شخصیت هدی قول ازدواج داده است.

«ولکنه بدأ يتجاهلها و يصب اهتمامه على غيرها من فتيات الميتم»^{۱۰}

(همان: ۱۰۴).



در این مربع شاهد دال و مدلول‌های مرتبط با تجاوز و پرورشگاه هستیم که می‌توان توسط آن به وضعیت دختران در پرورشگاه پی برد. همچنین این مربع و معنای برداشت شده از آن مخاطب را وادار می‌کند تا به تفکر فرو رفته و به فضای بسته و آلوده جنسی پرورشگاه پی ببرد. از این مربع می‌توان به شخصیت افراح الرملی نیز پی برد.

با مشاهده مربع‌های معناشناسی موجود در رمان «أدرکها النسیان»، می‌توان به روابط علی و معلولی دست یافت که در ایجاد نشانه‌های ساختاری و پیش‌برد پیرنگ داستانی اثر گذار هستند. نویسنده با استفاده از این مربع‌های معنایی توانسته است قسمت ناخودآگاه ذهن مخاطب را به مسائلی معطوف کند که همواره در تلاش بوده است آن‌ها را با استفاده از شگردهای ادبی وارد داستان کند و به نمایش بگذارد. وی با استفاده از نشانه‌هایی مانند پرورشگاه، سرطان، فراموشی و تجاوز معضلات اجتماعی مانند اشغال، تلاش برای ساختن آینده‌ای خوب، آوارگی، تجاوز و مسائل عاطفی را به

تصویر بکشد.

نتایج

نظریه نشانه‌شناسی گریماس در ابتدا به متون دینی مربوط بوده است، که پس از گذشت سال‌ها و تطبیق آن با متون دیگر، این نظریه را می‌توان در تمامی متون مورد بررسی قرار داد. این نظریه به دلیل انعطافی که از خود در متن داستان‌ها نشان می‌دهد نسبت به سایر نظریات روایت‌شناسی از کاربرد بهتری برخوردار است. با توجه به اینکه رمان «آدرکها النسیان» دارای نشانه‌های فراوانی است که می‌توان مدلول‌های آن را در متن یا واقعیت مشاهده کرد. با کاربست الگوی کنشی گریماس در این داستان و قرار دادن نشانه‌های ساختاری این رمان در این مربع می‌توان به ویژگی ساختار گریز رمان «آدرکها النسیان» دست یافت. نویسنده این رمان با عبور از ساختار و استفاده از مبانی پست مدرنیسم، در تلاش است تا مفاهیم اجتماعی و معانی مختلف را به صورت زنجیره‌ای و متوالی خلال رمان در معرض مخاطب قرار دهد. این رمان برخلاف رمان‌های ساختارگرا که بر اساس پیرنگ شاهد کنش‌های صعودی و نزولی می‌باشیم و مخاطب با درک این موقعیت‌ها می‌تواند به مفهوم اساسی رمان برسد بوده و نویسنده در این رمان همواره موضوعات اجتماعی را با استفاده از الگوی کنشی در کنش شخصیت‌ها قرار داده است و همواره در داستان، شاهد مفاهیم مختلفی مانند آزادی، اتحاد، مبارزه با استعمار و مسئله زنان در جامعه می‌باشیم.

همچنین با توجه به کنش شخصیت‌های زن در این رمان، بنظر می‌رسد نویسنده به هدف خودش که بیان تصویر زن در کشورهای عربی و اروپایی می‌باشد رسیده است. چرا که شخصیت‌هایی مانند بهاء و بارابار اکثرا دارای نقش‌های گیرنده می‌باشند. همچنین استفاده از نشانه‌های مختلف باعث شده است مربع نشانه‌شناسی گریماس از کارکرد بالایی برخوردار باشد. در مورد مربع‌های معناشناسی گریماس و

تطبیق آن با موضوعات اجتماعی رمان، می‌توان به این نتیجه رسید که مربع معنایی گریماس با استفاده از دال و مدلول‌های مرتبط با نشانه‌های عمقی رمان مانند پرورشگاه، فراموشی، سرطان و زندگی در خیابان، مفاهیم اجتماعی را به صورت معکوس و متناقض در قالب یک هشدار برای مخاطب به نمایش بگذارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ضحاک بسیار تلاش کرد که بهاء را از پرورشگاه فراری دهد؛ اما بعد از اینکه مدیر پرورشگاه نقشه‌اش را فهمید، بارها و بارها شکست خورد. مدیر پرورشگاه بهاء را ماه‌های طولانی در زیرزمینی تنگ و تاریک زندانی کرد.
۲. بیشتر افراد پرورشگاه از جمله پرستارها، کارمندان دختر و پسرهای یتیم، با بهاء دشمنی می‌کردند و با او به تلخی رفتار می‌کردند. پرستارهای پرورشگاه، لقب «سرخ‌روی ملعون» را برای وی برگزیدند. ضحاک می‌توانست با توانایی بدن ورزیده‌اش از بهاء در برابر هر ستمی که کودکان بر وی روا می‌داشتند، چیره شود و آنها را مجبور کند که او را با اسم جدید، تازه و پرافتخارش یعنی «بهاء» صدا بزنند.
۳. ضحاک دریافت که بهاء بسیاری از دردهای درونش را پنهان می‌کند ضحاک ناله‌های آهسته بهاء را که از گلوی او خارج می‌شد می‌توانست بشنود. ضحاک نمی‌توانست دردهای عادی بهاء را التیام بخشد. پس پزشکانی را بر بالین او می‌آورد تا معاینه‌اش کنند.
۴. من با تکیه بر تخیلاتم، حالم الوردی را ضحاک خیالی تجسم کردم و به او زندگی بخشیدم.
۵. تیم‌الله زندگی‌ام را نجات داد؛ ولی زنانگی‌ام را کشت. او با مردانی که در زندگی‌ام بر من گذر کردند، فرق داشت.
۶. ضحاک به سوی معشوقه‌اش بهاء برگشت که منشی خاص خودش را که باربارا نام داشت، مسئول نگهداری او کرده بود.
۷. ناگهان برایم به‌سان حامی و پشتیبانی شد که از روح و روانم در برابر زشتی‌ها حمایت می‌کند و مرا به خودم و همه انسان‌ها، گره می‌زند.

۸. بعد از آنکه والدینش را از دست داد، در پرورشگاهی که از روی اجبار آن را پذیرفته بود زندگی کرد در حالی که عموها و عمه‌هایش او را نپذیرفته بودند و دستان غارتگرشان را به میراث ناچیز او دراز کردند و همسایه‌ها نیز از اینکه او را به فرزندی خود قبول نکردند.
۹. ترسی از بیماری سرطان یا مرگ ندارم؛ اما از نابودی خاطره‌هایم به دلیل بیماری هراس دارم.
۱۰. ولی افراح او را نادیده می‌گیرد و بر دیگر دخترکان یتیم، چشم طمع می‌دوزد تا با آن دختران یکی پس از دیگری، همراه شود.

منابع و مآخذ

- احمدی، بابک. (۱۳۹۱ش). **ساختار و تأویل متن**. چ ۱۴. تهران: نشر مرکز.
- اسکولز، رابرت. (۱۳۷۹ش). **درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات**. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: آگاه.
- بنگراد، سعید. (۲۰۱۱م). **السیماتیات مفاهیمها و تطبیقاتها**. دمشق: دار الحوار للنشر والتوزيع.
- پراب، ولادیمیر. (۱۳۸۶ش). **ریخت‌شناسی قصه‌های پریان**. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- تاپسن، لیس. (۱۳۸۷ش). **نظریه‌های نقد ادبی معاصر**. ترجمه مازیار حسن زاده و فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز.
- ریمون کنان، شلومیت. (۱۳۸۷ش). **روایت داستانی: بوطیقای معاصر**. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر.
- سلدن، رامان. (۱۳۸۴ش). **راهنمای نظریه ادبی معاصر**. ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- الشعلان، سناء. (۲۰۱۸م). **ادرکها النسیان**. اردن: امواج للنشر.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۱ش). **مبانی معنا شناسی**. چ ۳. تهران: سمت.
- عباسی، علی. (۱۳۹۳ش). **روایت شناسی کاربردی**. تهران: شهید بهشتی.
- عموری، نعیم و مینا مجدم. (۱۳۹۹ش). **مؤلفه‌های پایداری در مجموعه داستانی «حدث ذات جدار»** اثر سناء الشعلان. مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، سال دوم، شماره ۲، ص ۱۲-۲۱.

- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۵ش). **ارتباط شناسی**. چاپ هفتم. تهران: سروش.
- معین، بابک. (۱۳۸۳ش). **سیر زایش معنا**. تهران: فرهنگستان هنر.
- وفايي، شعیری؛ ترانه، حمیدرضا. (۱۳۸۸ش). **راهی به نشانه معنانشناسی سیال**. تهران: علمی فرهنگی.
- یوسف، احمد. (۲۰۰۵م). **السیمائیات الواصفة**. بی جا: منشورات الاختلاف.

- Griemas A.J., proter, Catherin (1977). Elements of a Narrative Grammar, Diacritics, Vol7, No 1.

Sources and References

- Ahmadi, Babak. (2012). Text structure and interpretation. 14 editions. Tehran: Nahr-e Marka publishing center.
- Bengrad, Saeed. (2011). Semiotics, its concepts and applications. Damascus: Dar Al-Hiwar for publication and distribution.
- Tyson, Lis. (2008). Theories of contemporary literary criticism. Translated by Maziar Hassanzadeh and Fatemeh Hosseini. Tehran: Negah publishing center.
- Ramon Kanan, Shlomit. (2008). Storytelling: Contemporary Poyetikes. Translated by Abulfazl Hari. Tehran: Nilofar publishing center.
- Sana Al-Shaalan. (2018). Adrakha Al-Nassian. Jordan: Amwaj publishing center.
- Shayiri, Hamidreza. (2012). Basics of semantics. 3rd edition. Tehran: Samt publishing center.
- Abbasi, Ali. (2014). Applied narratology. Tehran: Shahid Beheshti publishing center.
- Amouri, Naim and mina Mujaddam, (2020) The components of sustainability in the narrative group "Hdath Zath Jidar" by Sanaa Al-Shaalan, Journal of Research in Teaching Arabic Language and Literature, second year, No.2, p.12.
- Mohsenian Rad, Mahdi. (2006). Communication, 7th edition. Tehran: Soroush.
- Moin, Babak (2004). The process of meaning creation. Tehran: Art Academy publishing center.
- Vafaei, Shayiri; Taraneh, Hamidreza. (2009). A way to fluid semantics. Tehran: Scientific and Cultural publishing center.

- Youssef, Ahmed. (2005). Descriptive semiotics. No place: Alekhtelaf Publications.
- Griemas A.J., proter, Catherin (1977). Elements of a Narrative Grammar, Diacritics, Vol7, No 1.

Abstract

Semiotic reading of the novel "Aderka-Halansian" by Sanā Sha'lān based on the theory of Algirdas Julien Greimas

Samaneh Moosapoor*

Yoosef Hadipour**

Farhad Divsalar***

Semiotics is the study of signs and symbols, and the interpretation of the fundamental axes of a literary work is one of the most important goals of structuralism in the contemporary period. Understanding the signs of a text leads to an increase in its understanding. Using the structure of Propp's theory of semiotics, *Greimas* created an action model to express the cause and effect of a sign and action and to understand the actionability of an effect. The novel " *Adraka ha Al-Nasyan* " Sanā Al-Sha'lān" is one of the novels of the contemporary era of the Arab world, through which the author has been able to show various social problems and harms such as poverty, prostitution, prostitution and displacement in Arab countries, especially Palestine. and display his opinion through tangible and intangible things; For this reason, the use of indirect references in this story has a high frequency. Using the descriptive-analytical method and *Greimas's* semiotics approach, the present essay seeks to introduce the actions of different characters, analyze the semiotic square, and examine the extent to which *Greimas's* action pattern matches the themes and concepts of this novel. The obtained results show that the use of *Greimas's* action pattern and semantic square can help to analyze the signs in the novel " *Adraka ha Al-Nasyan*" which is written using postmodernism techniques and social issues. In other words, the analysis of *Greimas's* structural model allows the analyst to enter the depth of the meanings hidden in the story text, and he can achieve the reverse function of the concepts with the action model.

Keyword: Semiotics, contemporary Arabic novel, Grimas, Sana al-Shalan, Aderkha Al-Nassian.

* PhD student of Arabic language and literature, Karaj Branch, The Islamic Azad University, karaj, Iran.

alsariyh.moosapoor@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Karaj Branch, The Islamic Azad University, karaj, Iran. (Corresponding author).

hadipour@kiau.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Karaj Branch, The Islamic Azad University, karaj, Iran. Divsalarf@yahoo.com